

متن پرسش

با سلام و تهیت خدمت استاد طاهرزاده: چند سوال از حضور مبارک داشتیم: ۱. استاد عرفان عملی و سیر و سلوک شهید مطهری که بود؟ ۲. استاد سیر و سلوک و عرفان عملی رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله خمینی که بود؟ ۳. آیا به نظر شما آیت الله خامنه ای به فنا ذاتی و کمال رسیده اند؟ اصلا ایشان سیر و سلوک دارند؟ ۴. به نظر شما آیت الله جوادی آملی به کمال رسیده اند؟ یا حداقل در سیر و سلوک دارای مقامات و درجاتی هستند یا ایشان فقط جنبه علمی عرفان را دارند و در وادی عمل و سلوک و ریاضت و مجاهده گامی نزنده اند؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- اُنس و آشنایی مرحوم شهید مطهری با حاج میرزاعلی آقای شیرازی، ایشان را در عرفان عملی به جاهایی رساند که نگو و نپرس! آنچنان از شب‌های آیت الله حاج میرزاعلی آقای شیرازی یاد می‌کرد و اشک می‌ریخت و خبر می‌داد که تا او را و شب‌های او را ندیده بودم معنای شب مردان خدا برایم مجسم نبود □ ای کاش بنده آن صوت را به دست می‌آوردم و چند بار دیگر به صدای مبارک مرحوم شهید مطهری نسبت به شب‌های مرحوم حاج میرزاعلی آقای شیرازی گوش می‌دادم □ ۲- این موارد، مواردی نیست که بتوان در جواب و سؤال گنجاند. این‌ها مربوط به خودشان است. ولی مسلم بعدها حکایت‌هایی به گوش ما می‌رسد به همان شکلی که در مورد حضرت امام داریم که یکی از استادان قم نقل می‌کنند: شبی مهمان حاج آقا مصطفی بودم، ایشان خانه ی جداگانه ای نداشتند و در منزل امام بودند، نصف شب از خواب بیدار شدم و صدای آه و ناله ای شنیدم، نگران شدم که در خانه چه اتفاقی افتاده است؛ حاج آقا مصطفی را بیدار کردم و گفتم: ببین در خانه تان چه خبر است؟ ایشان نشست و گوش فرا داد و گفت: صدای آقا [امام خمینی «رحمة الله علیه»] است که مشغول تهجد و عبادت است. مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی فرموده بودند: يك روز دیدم آقا [امام خمینی «رحمة الله علیه»] در اتاق خود هستند و صدای گریه ایشان بلند است. از مادرم پرسیدم: چه شده که آقا گریه می‌کنند؟ مادرم فرمودند: ایشان در شبی که موفق به نماز شب و راز و نیاز با خدا نشود آن روز چنین حالی را دارد. [۱]

خانم زهرا مصطفوی می‌فرمایند. رمضان سال قبل از رحلت امام را خوب به یاد دارم. بعضی وقت‌ها هر بار که به دلیلی نزد ایشان می‌رفتم و سعادت پیدا می‌کردم با ایشان نماز بخوانم، وارد اتاقشان که

می شدم می دیدم قیافه ایشان کاملاً برافروخته است و چنان اشک می ریختند که دیگر دستمال کفاف اشکشان را نمی داد و کنار دستشان حوله می گذاشتند. امام شب ها چنین حالتی داشتند و این واقعاً معاشقه ی ایشان با خدا بود. [۲] موفق باشید

[۱] (۱) <http://www.mums.ac.ir/culturefa/emmmam-> (از خاطرات سیدحمیدروحانی،

سرگذشتهای ویژه، ج ۱، ص ۹۱-۹۲)

[۲] (۲) <http://tooba.net/Persona-> (عج) ۵/ es